



ایران - روسیه و روابط اجتناب ناپذیر

سید حمید حسینی

روسیه تزاری و جانشینان آن در طول تاریخ بزرگترین واقعیت ژئوپلیتیکی ایران بوده است. ایران و روسیه در سالهای اخیر نیز روابط دوستانه ای را دنبال کرده اند.

این همکاری ها آنچنان اجتناب ناپذیر بوده است که حتی در دوران رژیم شاهنشاهی و دوران اتحاد شوروی، ایران یکی از مهمترین همکاران تجاری و سیاسی اتحاد شوروی از میان کشورهای در حال توسعه محسوب می شد به عبارتی ویژگی های ژئوپلیتیکی ایران رهبران اتحاد شوروی را ناچار به توجه به این واقعیت ساخته است که بدون در نظر گرفتن ایران نمی توان در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز که به مثابه پیشانی امنیتی فدراسیون روسیه قلمداد می شود ثبات نسبی و پایداری را برقرار نمود. با این حال تاریخ روابط ایران و روسیه از فراز و نشیبهایی نیز برخوردار بوده است.

یکی دو سال بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، فدراسیون روسیه تحت تأثیر تمایلات غرب گرایانه و غرب باورانه روابط با جمهوری اسلامی ایران را در یک دوران کوتاه مورد توجه جدی قرار داد و حتی ایران به عنوان مصداق تهدید امنیتی و تهدید اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز تلقی شد. اما بارش دروند واقع گرایی در سیاست خارجی روسیه از ۱۹۹۳ به بعد و انتصاب پریماکف به عنوان وزیر خارجه فدراسیون روسیه و سپس روی کار آمدن ولادیمیر پوتین ایران جایگاه خاص خود را در سیاست خارجی روسیه بازیافت.

اگرچه کمال خرازی یکی از اهداف اصلی سفر خود به مسکو را پی گیری توافقاتی رئیس‌ان جمهوری ایران و روسیه در ماه مارس سال ۲۰۰۱ و اجرای هر چه سریعتر آنها اعلام نمود ولیکن مسائل نظامی و مباحث امنیت منطقه ای نیز جایگاه مهمی را در مذاکرات خرازی با دولتمردان مسکو تشکیل می داد. با توجه به این می توان گفت: جمهوری فدراتیو روسیه و ایران کم و بیش هر دو به یک میزان در پرتو امواج جهان گرایی امنیتی قرار دارند.

هر دو با یک نوع از روند اخلاص برانگیز در محیط امنیتی و استراتژیک فوری خود روبه رو هستند و هر دو به یک میزان نسبت به آثار و عواقب این چالش خطرناک یا تهدید خفته امنیتی حساسیت دارند.

به عبارتی می توان گفت: هدف نهایی جهان گرایی به ویژه در بعد امنیتی آن، توسعه و تثبیت هژمونی یک قدرت جهانی (آمریکا) بر سرتاسر جهان می باشد و به نظر می رسد مهمترین عامل جلوگیری از توسعه طلبی هژمونیک آمریکا، منطقه گرایی و مشارکت منطقه ای می باشد ضمن اینکه علاوه بر نقش عنصر آمریکا رقابت سایر عوامل غربی نظیر انگلستان، ترکیه، اسرائیل و حتی چین و ژاپن در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نقشه چالشهای سیاسی و امنیتی منطقه را کاملاً شلوغ و جنجالی نموده است.

همکاری ایران و روسیه در سالهای اخیر همواره تحت تأثیر فشارهای سیاسی، مجازات و تهدید آمریکا قرار داشته است ضمن اینکه آسیب پذیری اقتصادی روسیه و وابستگی اقتصاد بیمار این کشور به غرب و وامهای صندوق جهانی پول دولتمردان کاخ کرملین را بارها به تغییر رویه و سیاست خود در قبال ایران واداشته است.

همانطور که در زمان یلتسین این دولت تحت فشار آمریکایی پروتکل سری گور- چرنومردین در ماه می ۱۹۹۵ عمده توافقات خود با ایران در مورد ساخت راکتور اتمی بوشهر را نادیده گرفت و همچنین مسکو با طولانی کردن مراحل ساخت این نیروگاه به گرفتن امتیازهای اقتصادی بیشتری از آمریکا و ایران پرداخته است.

ولیکن آنچه مسلم است جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به عنوان دو کشور بزرگ و قدرتمند جنوبی و شمالی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به اهمیت جغرافیای سیاسی و اقتصادی منطقه و اهمیت راهبردی آن برای نکته واقفند که در صورت عدم برنامه ریزی و فعالیت مجبور به گرفتن نقشی منفعلانه در برابر بازیگران جهانی و منطقه ای خواهند بود.

بدین جهت با توجه به منافع مشترک دو کشور داشتن درک درستی از وقایع منطقه و آگاهی نسبت به زمینه هایی که دو کشور می توانند همکاری نمایند. کمک زیادی به آینده بهتر برای تحولات منطقه خواهد نمود. از این روبه نظر می رسد همکاری ایران و روسیه در سطوح دو جانبه، منطقه ای و بین المللی به طور مسلم یکی از عوامل مهم توسعه، صلح و ثبات در منطقه و جلوگیری از هژمونی یکجانبه ایالات متحده خواهد بود به شرط آنکه دولتمردان کاخ کرملین با نگاهی اصولی به جایگاه ایران ثبات و پایداری بیشتر و پرهیز از تأثیر پذیری در سیاست خارجی خود را نسبت به ایران اعمال نمایند.